



سیدمجدد آب لشکری

کوفه، تنها یک شهر نیست؛ بلکه یک تاریخ است؛ تاریخی آکنده از حوادث گوناگون. کوفه یکی از حادثه خیزترین شهرهای جهان اسلام بوده است. کوفه یادآور فتح سرزمین پهناور ایران، به دست نخستین ساکنان کوفه بوده است. کوفه یادآور حکومت امیرمؤمنان، علی علیه السلام بر سرزمین ها و شهرهای متمدن آن عصر بوده است. کوفه یادآور تنهایی امام حسن علیه السلام در مقابله با معاویه و غربت امام حسین علیه السلام و مسلم بن عقیل و سرگردانی وی در کوچه های این شهر است.

کوفه شهر تضادهاست. کوفیان همان کسانی بودند که با ابتدایی‌ترین سلاح‌ها، در برابر ارتش مسلح ایران ساسانی مبارزه کردند و در نبردهای قادسیه، نهاوند، جلولاء و ... ایرانیان را شکست دادند. اینان در نبردهای جمل و صفین نیز همراه امیرمؤمنان با مخالفان نبرد کردند؛ اما در میانه نبرد صفین و با دیدن قرآن‌های بر نیزه شده، فریفته نیرنگ معاویه و عمرو عاص شدند و به مردمی بزدل و حقیر تبدیل گشتند. اوج ذلت و حقارت و بی‌وفایی آنان در حادثه کربلا بود؛ آن‌جا که جمع کثیری از آنان امام حسین (علیه السلام) را به کوفه دعوت کردند؛ سپس در برابر تهدیدات ابن‌زیاد، میدان را خالی کردند و امام را تنها گذاشتند.

برای آشنایی با تاریخ پرفراز و نشیب این شهر در آن عصر و شناخت فرهنگ و آداب و رسوم و مناسبات حاکم بر جامعه آن روز، مرکز تحقیقات حج، مقدمات انتشار کتاب «کوفه، از پیدایش تا عاشورا» را فراهم ساخت. این کتاب که به قلم محقق ارجمند، نعمت‌الله صفری فروشانی به نگارش درآمده، علاوه بر بررسی و تحلیل حوادث، به کاوش در جنبه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی این شهر پرداخته و تاریخ منسجمی از آن ارائه داده و افق‌های جدیدی را پیش روی پژوهش‌گران قرار داده است.

این کتاب در هشت فصل تنظیم شده است. در فصل اول، جغرافیای تاریخی و طبیعی کوفه مورد بحث قرار گرفته است که در آن به موضوعاتی چون: تأسیس شهر کوفه، دلیل نام‌گذاری کوفه، نام‌های کوفه، طول و عرض جغرافیایی، مساحت، حدود، آب و هوا، جمعیت، گیاهان، حیوانات، کوه‌ها، چشمه‌ها، باغ‌ها، دیرها، چاه‌ها، نهرها و توابع کوفه پرداخته شده است. در این فصل درباره تأسیس شهر کوفه چنین آمده است:

مسلمانان پس از فتح مدائن، به سبب نزدیکی این شهر به شهرهای ایران که فتوحات در آنها ادامه داشت، در آن‌جا ساکن شدند؛ اما هوای این شهر به مزاج مردم عرب خوش نیامد و رنگ و روی آنها را عوض نمود؛ به‌خصوص از دست پشه‌های فراوان این شهر عذاب فراوان کشیدند. سعد بن ابی‌وقاص، امیر لشکر عمر بن خطاب در این مورد کسب تکلیف کرد. عمر طی نامه‌ای دستور داد که منطقه‌ای را برای سکونت انتخاب کنند که اولاً شرایط آن برای شترهای جنگ‌جویان سازگار باشد. ثانیاً آب و هوای آن، خشک و دریایی باشد. ثالثاً میان کوفه و مدینه که مرکز حکومت اسلام بود، دریا یا پلی حایل نشود تا در صورت لزوم به راحتی امکان ارسال لشکر فراهم باشد.

سعد برای یافتن منطقه‌ای با این خصوصیات، سلمان و حذیفه را که همیشه در پیشاپیش لشکریان حرکت می‌نمودند، به دستور عمر انتخاب کرد. سلمان از مدائن به شهر انبار آمد و سپس در کناره غربی فرات ادامه مسیر داد تا به منطقه کوفه رسید. حذیفه نیز از سمت ناحیه شرقی فرات به همین ناحیه رسید و هر دو با هم در این ناحیه تلاقی کرده، این سرزمین را که پر از ریگ‌های قرمز رنگ بود، پسندیدند و به شکرانه دست‌یابی به این منطقه، دو رکعت نماز گزارده و از خداوند طلب خیر و برکت نمودند و آن‌گاه به سعد نامه نوشته، او را از تصمیم خود آگاه نمودند. سعد با لشکریان خود به آن سو روان شد و پس از تهیه نقشه شهری جامع، به همراه لشکریان اقدام به ساختن آن کرد.

فصل دوم این کتاب درباره شهرسازی و معماری کوفه است. در این فصل درباره سبک خانه‌ها و مصالح ساختمانی آنها، خانه‌های افراد مشهور و معروف کوفه، بازارها، مساجد، قصر دارالاماره، زندان، میدان اصلی شهر، کاروانسراها، مهمان‌خانه‌ها، حمام‌ها و مکان‌های عمومی کوفه مطالبی آمده است. در این فصل درباره مسجد جام کوفه چنین آمده است:

در روایات شیعه، این شهر و مسجد آن، قدمت چند هزار ساله دارد و آثار این قدمت به صورت نمادهایی در داخل مسجد مشخص است. در این روایات، بنیان این مسجد در زمان حضرت آدم علیه السلام پی‌ریزی شد و وسعت آن، بسیار بیشتر از وسعت و گنجایش آن بعد از اسلام بوده است. در زمان‌های

به عقیده نگارنده، شناخت جامع خلیفات اهل کوفه، مبتنی بر آگاهی از صفات منفی و مثبت آنهاست و این جز با بررسی مقاطع مختلف تاریخی امکان‌پذیر نیست؛ زیرا در برهه‌ای از تاریخ، صفات نیک آن مردم بروز نموده و در برهه‌ای دیگر، صفات زشت آنها تجلی یافته است؛ اما از آن‌جا که صفات زشت کوفیان، آثار دهشت‌باری در قرن اول، پدید آورد، از این‌رو، سهم بیشتری از این تحقیق، به بررسی این صفات اختصاص یافته است.

بعد، خانه نوح و نماز گاه او، محل کشتی ساختن وی و بالاخره تنوری که آب از آن فوران نمود و وقوع طوفان نوح آغاز شد، در این مسجد قرار داشت ... در زمان‌های بعد، محل رویدن بوته کدویی بود که حضرت یونس علیه السلام را پوشانید و نیز جایگاه و مخفی گاه عصای موسی علیه السلام، انگشتر سلیمان علیه السلام و خانه حضرت ادریس علیه السلام و بنا بر روایتی، این مسجد، مصلای ۱۰۷۰ پیامبر بوده است.

در فصل سوم کتاب، مردم‌شناسی و روان‌شناسی مردم کوفه مورد بحث قرار گرفته است. برخی از عناوین این فصل عبارتند از: خلیقات روحی و روانی، مناسبات انسانی

و دسته‌بندی طبقات اجتماعی که در بحث خلیقات روحی و روانی، ویژگی‌های مثبت و منفی کوفیان مورد بحث قرار گرفته و در بحث مناسبات انسانی، به فرهنگ و آداب و معاشرت آنان، مانند: سلام کردن، مصافحه، معانقه، خداحافظی و احترام به دیگران، پرداخته شده است.

در بحث دسته‌بندی طبقات مختلف اجتماعی نیز دسته‌بندی‌های قبیله‌ای، نژادی، دینی، سیاسی، مذهبی و طبقاتی مورد بحث قرار گرفته است. درباره خلیقات روحی و روانی کوفیان در این فصل آمده است:

هر ملت و امتی ممکن است تلفیقی از صفات و خلیقات مثبت و منفی داشته باشد که به تناسب زمان و در مقاطع مختلف تاریخ، یک یا چند صفت او بروز نموده و صفات دیگر را تحت الشعاع قرار داده و باعث به وجود آمدن حوادثی شود که این امر سبب می‌شود که مردم آن سرزمین را با آن صفت بشناسند. مردم شهر کوفه

سلمان از مدائن به شهر انبار آمد و سپس در کناره غربی فرات ادامه مسیر داد تا به منطقه کوفه رسید. حذیفه نیز از سمت ناحیه شرقی فرات به همین ناحیه رسید و هر دو با هم در این ناحیه تلاقی کرده، این سرزمین را که پر از ریگ‌های قرمز رنگ بود، پسندیدند و به شکرانه دستیابی به این منطقه، دو رکعت نماز گزارده و از خداوند طلب خیر و برکت نمودند و آن‌گاه به سعد نامه نوشته، او را از تصمیم خود آگاه نمودند. سعد با لشکریان خود به آن سو روان شد و پس از تهیه نقشه شهری جامع، به همراه لشکریان اقدام به ساختن آن کرد.

نیز در مقطع تاریخی مورد بحث، هر دو دسته صفات (فضایل و رذایل) را داشتند؛ اما از آن جا که صفات و خلیات منفی آنها در رفتار با امامان شیعه و اهل بیت عصمت و طهارت، خاطره‌ای زشت و تلخ از این شهر در تاریخ به جای گذاشت، از این رو بیشتر نویسندگان و تحلیل‌گران تاریخ اسلام، این صفات را به عنوان ویژگی‌های کوفیان ذکر می‌کنند و از صفات مثبت آنان غافل می‌مانند. به عقیده نگارنده، شناخت جامع خلیات اهل کوفه، مبتنی بر آگاهی از صفات منفی و مثبت آنهاست و این جز با بررسی مقاطع مختلف تاریخی امکان‌پذیر نیست؛ زیرا در برهه‌ای از تاریخ، صفات نیک آن مردم بروز نموده و در برهه‌ای دیگر، صفات زشت آنها تجلی یافته است؛ اما از آن جا که صفات زشت کوفیان، آثار دهشت‌باری در قرن اول، پدید آورد، از این رو، سهم بیشتری از این تحقیق، به بررسی این صفات اختصاص یافته است.

فصل چهارم کتاب، مربوط به وضعیت اقتصادی شهر کوفه است و در آن به چگونگی داد و ستد و معاملات، تاریخ تجارت، دام‌داری، کشاورزی، شغل‌ها و حرفه‌ها و درآمدها و هزینه‌های حکومت کوفه پرداخته شده است. در این فصل درباره تاریخ تجارت آمده است:

هنگام بنیان‌گذاری شهر کوفه در سال ۱۷ هجری در زمان خلافت عمر، تجارت نه تنها در کوفه، بلکه در همه مملکت اسلامی در رکود به سر می‌برد؛ زیرا اولاً مردم سرگرم فتوحات و کشورگشایی بودند و ثانیاً غنایم و نیز برقراری حقوق سالیانه «عطاء» به وسیله دولت، نیاز مادی آنان را برطرف می‌کرد. ابوسفیان که خود تاجر بزرگی بود، هنگام تصویب برقراری عطاء به وسیله عمر، به او چنین گفت: «اگر تو چنین مقرری‌ای برای مسلمانان برقرار کنی، آنها به اتکای آن، تجارت را رها خواهند کرد». عثمان پس از روی کار آمدن، مردم مدینه را به سرمایه‌گذاری در شهرهای ایران و کوفه، تشویق کرد. هدف اصلی او این بود که اصحاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را در شهرهای مختلف پراکنده کند تا هم از مزاحمت آنان برای خود در مدینه بکاهد و هم باعث تضعیف سیاستمداران شهرهای ایران شود، تا مبادا به طمع حکومت افتند. همزمان با این سیاست، به علت کم شدن فتوحات و به دنبال آن، غنایم و نیز وجود پول نقد فراوان در کوفه و رشد جمعیت و همچنین موقعیت استراتژیک کوفه، موجبات رشد سریع تجارت در کوفه فراهم شد.

علاوه بر سیاست‌های حکومت در تشویق به تجارت، وجود تعداد فراوانی از ساکنان حیره در کوفه که به امر تجارت آشنا بودند، کثرت اموال به دست آمده در فتوحات، وجود حقوق ثابت پرداختی از سوی حکومت به کوفیان و نبودن بانک در کوفه، از دیگر اموری بود که به رونق تجارت منجر شد. یکی دیگر از علل رشد سریع تجارت در کوفه، وجود موالیانی بود که اغلب ایرانی بودند. آنان پس از ناامیدی از برطرف شدن تبعیضات اعراب نسبت به آنان و نیز در پی سفارش امام علی علیه السلام به آنان مبنی بر روی آوردن به تجارت، به این امر مهم پرداختند و پس از مدت کوتاهی، نبض تجارت کوفه را در اختیار گرفتند.

در فصل پنجم کتاب، مسائل فرهنگی و تعلیم و تربیت مورد بررسی واقع شده و در آن به موضوعاتی چون تعلیم و تربیت، شخصیت‌های فرهنگی، افسانه‌ها و اسطوره‌ها، آداب قرائت قرآن، موسیقی و اعمال خلاف شرع رایج و کتابت و خط پرداخته شده است. در این فصل درباره تعلیم و تربیت چنین آمده است:

در نیمه اول قرن اول هجری و بخشی از نیمه دوم این قرن، علوم اسلامی در سرتاسر مملکت اسلامی به سرعت رو به رشد و تکامل بود؛ زیرا قرآن و سنت نبوی، دنیایی نو در برابر دیدگان مردم گشود و مردم تازه‌مسلمان، مشتاق ورود به این دنیای تازه بودند. از این رو در سرتاسر سرزمین اسلامی، همچون پروانه به دور شمع وجود اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله می‌چرخیدند تا مطالب و اسرار قرآن و سنت را از آنها فراگیرند. در کوفه که شهری اسلامی و نو بنیاد بود، به سبب مهاجرت تعداد فراوانی از اصحاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جلسات درس برگزار می‌شد. موضوع این درس‌ها قرآن، تفسیر حدیث و فقه بود که در آن زمان این علوم از هم تفکیک نشده بودند و همگی علم واحدی به شمار می‌آمدند. همچنان که محل درس، اغلب مساجد و جَبانات* بود. یکی از مشهورترین استادان این جلسه‌ها، «عبدالله بن مسعود» بود که یکی از قاریان برجسته قرآن شناخته می‌شد و معمولاً جلسات خود را در جَبانه برگزار می‌کرد. جلسات درس،

* «جَبانه» در لغت به معنای زمین مسطح و صاف و بی‌درخت و گیاه می‌باشد که معادل لفظ صحراست و سپس به معنای گورستان استعمال شده؛ زیرا زمین گورستان‌ها معمولاً این مشخصات را دارد. در شهر کوفه مکان‌هایی با عنوان جَبانه معرفی شده که علاوه بر استفاده به عنوان گورستان، برای اجتماعات نظامی و سیاسی - اجتماعی نیز از آنها استفاده می‌شد. بعضی از نویسندگان معاصر، مساحت جَبانه را دست کم یک هکتار تعیین کرده‌اند که این مقدار، جمعیت فراوانی را در خود جای می‌داد. لسان العرب، ج ۲، ص ۱۷۲؛ هاشم جعیط، کوفه، پیدایش شهر اسلامی، ص ۲۸۴ و ۳۵۰.

نه تنها برای بزرگسالان، بلکه برای اطفال نیز برگزار می‌شد؛ چنان‌که از معلم اطفال در زمان شریح سخن به میان آمده است. با ورود امام علی علیه السلام به کوفه، نقطه عطف علمی در این شهر پدید آمد؛ زیرا آن حضرت نزدیک‌ترین فرد به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، با سابقه‌ترین مسلمان و آگاه‌ترین اصحاب به قرآن و سنت بود. از این رو همه مجالس علمی، تحت الشعاع وجود آن حضرت قرار گرفت و خود آن حضرت نیز مردم را تشویق به فراگیری علوم از خود می‌کرد؛ چنان‌که خطاب به آنها می‌فرمودند: «قبل از آن‌که مرا از دست بدهید، از من سؤال کنید که من از راه‌های آسمان بیش از راه‌های زمین اطلاع دارم».

فصل ششم این کتاب، به آداب و رسوم اجتماعی مردم کوفه اختصاص یافته و در آن موضوعاتی مانند عقد و ازدواج، خاک‌سپاری، جنگ و صلح، سیر و سفر، آرایش ظاهری زنان و مردان، مجالس عمومی و گردهمایی‌ها، سرگرمی و ورزش، پوشش و حجاب و آداب و رسوم مجالس خلفا و امرا مورد بحث قرار گرفته است. در این فصل درباره سربازان و اعلان جنگ و صلح، چنین آمده است:

از زمان جاهلیت و در صدر اسلام و در زمان مورد بحث که هنوز سپاه منظمی با نیروهای ثابت تشکیل نشده بود، هنگام جنگ، همه مردان بالغ و عاقل، موظف به شرکت در جنگ بودند؛ به خصوص هنگامی که نظام عطاء برقرار شد؛ زیرا پرداخت عطاء، تعهداتی برای مردم ایجاد می‌کرد که یکی از آنها شرکت در جنگ، هنگام اعلام نیاز حکومت بود و اگر کسی از فرمان حکومت در مورد جنگ خودداری می‌کرد، به او «مُلحق» می‌گفتند و عطای او قطع می‌شد؛ برای مثال، عیب‌الله با تهدید مردم به قطع عطاء، توانست لشکر بزرگی برای مقابله با امام حسین علیه السلام فراهم آورد. معمولاً اعلان جنگ به وسیله منادی اعلام می‌شد. او با صدای بلند و با کلماتی که بر جنگ دلالت می‌کرد، مردم را به حضور در جنگ دعوت می‌کرد و برای این کار از کلماتی چون «النفر، النفر» (کوچ، کوچ)، استفاده می‌شد.

در جریان جنگ صفین آمده است که حضرت علی علیه السلام، قبل از شروع جنگ، از حارث اُعور خواست تا چنین در کوفه ندا دهد: «ای مردم کوفه! از شهر خارج شده، به اردوگاه خود در نخيله بروید.» برای اعلام عقب‌نشینی نیز منادی از الفاظی مانند «الرجعه، الرجعه» (عقب‌نشینی، عقب‌نشینی) استفاده می‌کرد.

همچنین از الفاظ «السلح، السلاح» برای آماده شدن افراد برای جنگ در میدان و از «الخیل، الخیل» برای آماده شدن سوارکاران برای حمله و از «الارض، الارض» برای متفرق شدن سربازان در دشت استفاده می‌شد.

فصل هفتم کتاب درباره نوع تغذیه اهالی این شهر است و در آن موضوعاتی مانند تاریخچه‌ای از غذای عرب، وعده‌های غذای عرب، انواع غذاها، نوشیدنی‌ها، میوه‌ها و تنقلات مورد بحث قرار گرفته است.

فصل هشتم یعنی آخرین فصل کتاب نیز مربوط به نظام قضایی و انتظامی و مقامات اداری شهر کوفه است. برخی از موضوعات این فصل عبارتند از: قاضیان کوفه تا سال ۶۱ هجری، آیین دادرسی، شرایط و صفات قاضی، مجلس قضاوت، مجازات‌ها، شرطه، والی، رئیسان اسباع و ارباع، مناکب، سرپرست بیت‌المال، سرپرست دیوان خراج و کاتبان و منشیان. در بحث مقامات اداری شهر کوفه درباره «والی» چنین آمده است:

به جز دوران پنج ساله حکومت امام علی علیه السلام که آن حضرت کوفه را مقرر خلافت خود قرار داده بود و نیز در دوران شش ماهه حکومت امام حسن علیه السلام، والی یا امیر کوفه، دارای بلندترین مقام اداری بود و از سوی خلیفه، تعیین می‌شد و محدوده اختیارات والی، کوفه و توابع آن بود. توابع کوفه شامل شهرهایی از کشور ایران می‌شد که به وسیله سپاهیان مستقر در کوفه، فتح شده بودند و از نظر اداری تابع کوفه به شمار می‌رفتند. این شهرها عبارت بودند از: قزوین، زنجان، طبرستان، آذربایجان، ری و دستی (ناحیه‌ای وسیع بین ری و همدان)، کامل، همدان، سیستان، انبار، قومس، نهاوند، اصفهان، قم، حلوان، ماسبدان و موصل. به طور کلی می‌توان والیان کوفه را از نظر محدوده اختیارات، به دو دسته تقسیم کرد: دسته اول والیانی بودند که اختیار اداره همه امور کوفه به آنها واگذار نشده



آخرین فصل کتاب نیز مربوط به نظام قضایی و انتظامی و مقامات اداری شهر کوفه است. برخی از موضوعات این فصل عبارتند از: قاضیان کوفه تا سال ۶۱ هجری، آیین دادرسی، شرایط و صفات قاضی، مجلس قضاوت، مجازات‌ها، شرطه، والی، رئیسان اسباع و ارباع، مناکب، سرپرست بیت‌المال، سرپرست دیوان خراج و کاتبان و منشیان.

بود و خلیفه در کنار آنان مقاماتی همانند قاضی، متولی دیوان، خراج و... قرار می‌داد: بیشتر والیان کوفه و نیز همه والیان کوفه در دوران خلفای راشدین از این نوع بودند؛ برای مثال، عمار یاسر از سوی عمر به عنوان والی انتخاب شد و وظیفه اصلی‌اش، حفظ مرزها بود و در کنار او عثمان بن حنیف، متولی خراج و ابن مسعود، متولی بیت‌المال بود. دسته دوم والیانی بودند که پس از نصب به وسیله حکومت مرکزی، همه اختیارات اداره شهر را بر عهده داشتند و عزل و نصب تمام مقامات شهر و توابع آن، بر عهده آنان بود. اینها در حقیقت حکومت خودمختاری به مرکزیت کوفه داشتند و تنها به وسیله نصب از سوی حکومت مرکزی و نیز فرستادن مقداری از بیت‌المال برای آن حکومت، با آن ارتباط داشتند. حکومت زیاد بن ابیه بر کوفه (۵۰ - ۵۳ هـ) که از سوی معاویه منصوب شده بود و نیز حکومت پسرش عبیدالله بن زیاد در سال ۶۰ هجری که منصوب از طرف یزید بود، از این نوع حکومت‌ها بودند.

در پایان کتاب نیز کتاب‌نامه و نقشه‌ها، تصویر و جدول‌هایی در باره کوفه آورده شده است. این کتاب گرچه مفید و ارزشمند و کتاب تقریباً کامل و جامعی درباره کوفه است، اما در برخی موارد به موضوعات و مسائلی پرداخته که اختصاصی به کوفه ندارد و مربوط به همه سرزمین‌های عربی - اسلامی آن عصر می‌شود و این موضوع بی‌جهت بر حجم کتاب افزوده است؛ مثلاً در فصل چهارم که به موضوع ضرب سکه در صدر اسلام پرداخته است، مطالب آن اختصاصی به کوفه ندارد. در فصل ششم که مربوط به موضوعاتی چون ازدواج و آداب و رسوم و شرایط آن و سیر و سفر و تفرج است، بیشتر مطالب آن مربوط به جامعه اسلامی آن عصر، به ویژه مدینه است.

در فصل هفتم که به نوع تغذیه پرداخته شده نیز موضوعات ذکر شده مربوط به جامعه عربی - اسلامی آن عصر است و ویژه کوفه نمی‌باشد. در فصل هشتم نیز بسیاری از مطالب مانند آیین دادرسی مدنی، شرایط و صفات قاضی و مجازات‌ها مطالبی هستند که مربوط به تعالیم اسلامی می‌باشند و اختصاصی به کوفه ندارند.